محمد باقری

قلعه رودخان

عکس کتیبهٔ قلعه رودخان، که اینک شکسته وقطعات آن در اطراف پراکنده است

سرزمین گیلان به‌علت شرایط اقلیمی وموقعیت جغرافیایی مساعد، ازدیرباز آباد وپرجمعیت وبه‌همین خاطرغالباً عرصهٔ کشمکش‌های گوناگون بوده است. اما مهاجمانی که به‌سودای تسخیر سرزمین‌های آباد وپرنعمت به‌ایران می‌تاختند در راه رسیدن به گیلان با رشته‌کوه‌های البرز مواجه می‌شدند که چون دیوار محکمی سراسر دشت گیلان را از طرف جنوب حفاظت می‌کند. این کوهستان‌ها درطول تاریخ همیشه صحنهٔ برخوردها ولشگرکشی‌ها بوده است ومردمی که دراین کوهستان‌ها به‌سر می‌بردند، شهامت وقدرت جنگاوری خود را درنبرد علیه ستمگران ومتجاوزان، درکوه وجنگل آشکار کرده‌اند. ازاین رهگذر در بسیاری ازنقاط این رشته کوه‌ها، قلعه‌هایی به‌جای مانده که درخاموشی خود اسرار هزاران رنگ ونیرنگ وحکایت بی‌پایان جانبازی‌ها و دلاوری‌های بی‌شمار را نهفته دارند.

یکی ازاین قلعه‌ها که نسبتاً گمنام باقی مانده، قلعه‌ای است درجنوب شرقی فومن

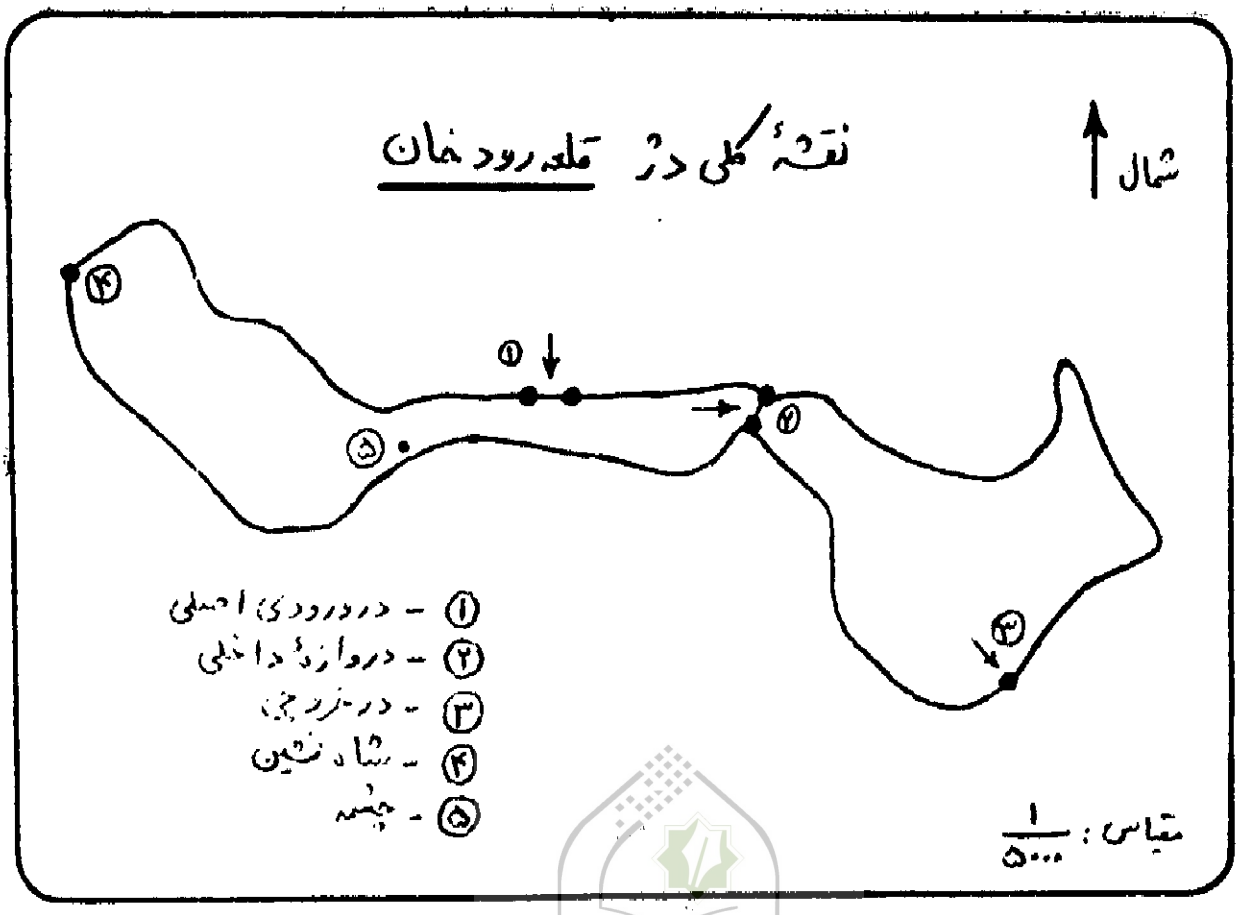

که «قلعه رودخان» نامیده می‌شود.[۱] برای رفتن به‌این قلعه باید ازفومن به‌آبادی قلعه رودخان وازآنجا با دوساعت راه‌پیمایی درمسیری زیبا ودیدنی به‌دیدار قلعه رفت. فاصلهٔ رشت تا فومن ۳۵ کیلومتر جادهٔ اسفالته وازفومن تا آبادی قلعه رودخان ۲۵ کیلومتر جادهٔ خاکی است. فاصلهٔ آبادی تا قلعه هفت‌کیلومتر است که قسمتی ازابتدای آن در فصل مناسب با جیپ قابل عبور است. (به‌نقشهٔ موقعیت قلعه در شکل ۱ نگاه کنید.) ارتفاع قلعه ازسطح دریا ۶۸۰ متر است.

قلعه رودخان، اسمی که درحال‌حاضر به‌این قلعه اطلاق می‌شود، نام اصلی آن نیست. قلعه رودخان ازنظر ترکیب لغوی به‌معنی «رودخانهٔ منسوب به‌قلعه» است ونام رودخانه‌ای است‌که ازنزدیکی قلعه وسپس ازکنار آبادی قلعه رودخان ــ که نام خودرا ازرودخانه گرفته ــ می‌گذرد وپس ازپیوستن با رودهای دیگر، ازطریق مرداب انزلی به‌دریای خزر می‌ریزد. در کتیبه‌ای مربوط به‌این قلعه ــ که بعداً به‌شرح آن خواهیم پرداخت ــ نام این قلعه «حسامی» ذکر شده است. در پرس‌وجو از روستاییان ساکن‌آن نواحی، معلوم شدکه آنها اسم قلعه را «سکسال» (یا سکسار)[۲] می‌دانند ومی‌گویندکه روی کتیبهٔ مربوط به‌قلعه این جمله حك شده است: «گنج قلعه بسیار است ولی کارهر شغال نیست». مطلب اخیر بی‌شك ناشی از تصورات‌واوهام درمورد قلعه است وپایه‌واساسی ندارد. اما درمورد نامی‌که اهالی برای قلعه ذکر می‌کنند جای تعمق و دقت وجود

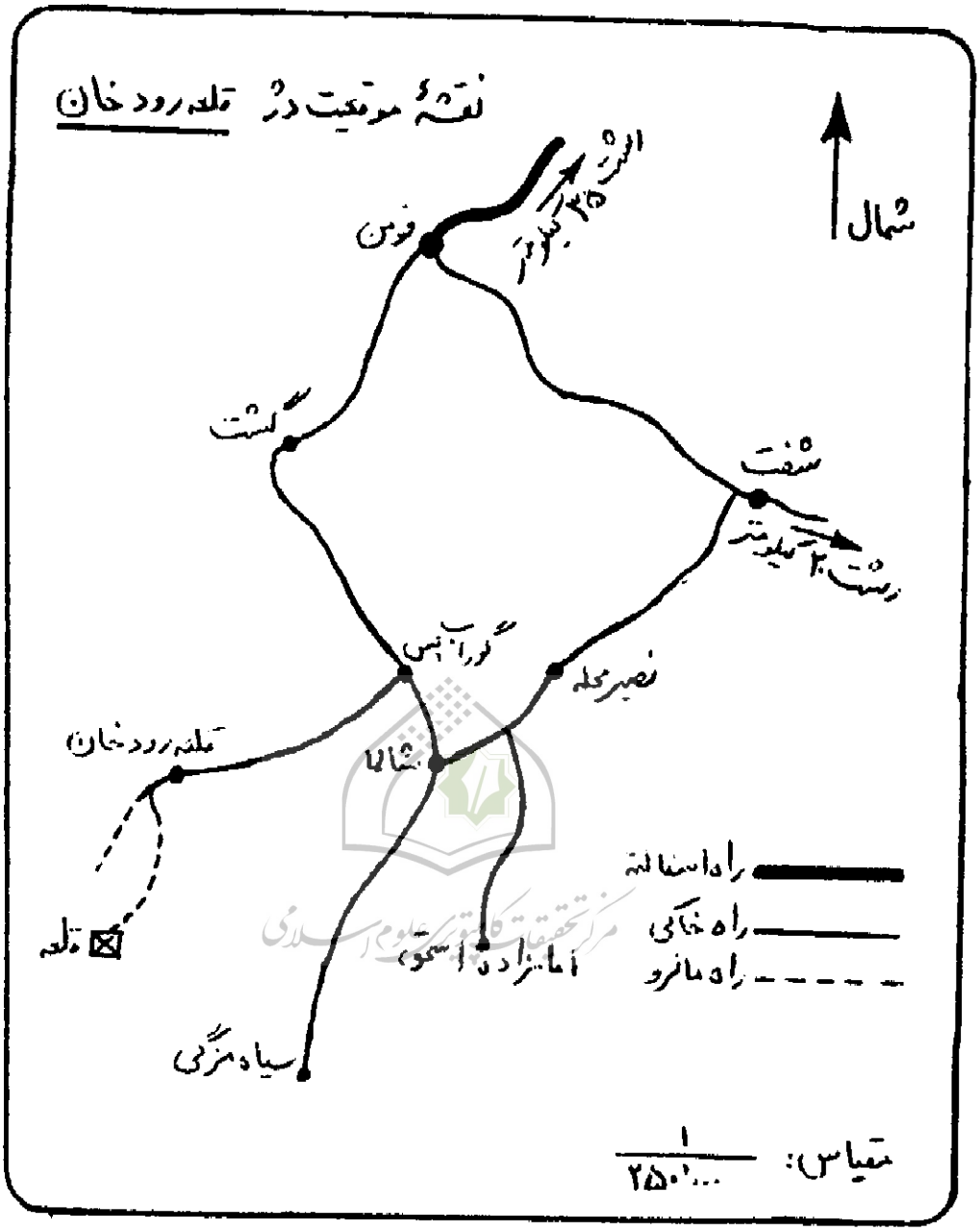

دارد. زیرا درقلاع دیگری در نقاط دیگر ایران نیز به‌نام‌هایی شبیه به‌همین نام بـر می‌خوریم که بعید نیست ارتباطی میان آنها در کارباشد؟

نقشهٔ کلی قلعه در شکل ۲ نشان داده شده است. طول قلعه حدود ۵۰۰ متر است. درساختمان این قلعه سنگ‌و ساروج (برای برج و باروها) و آجر و ملاط آهك (برای طاقها و اطاقها) به‌کار رفته است. در نقاط متعددی دورادور قلعه اطاقهای دوطبقه‌ساخته شده است. در ورودی قلعه در محل گردنهٔ بین دو قلهٔ کوچك قراردارد. منتهی‌الیه سمت راست که بلندترین نقطهٔ قلعه است «شاه‌نشین» قلعه خوانده می‌شود. با توجه به‌وضعیت و آثار باقی مانده در آن، معقول به‌نظر می‌رسد که این محل مخصوص کوتوال قلعه بوده باشد. برای رفتن به‌بخشی از قلعه که درسمت چپ قلعه در ورودی واقع است باید از دروازهٔ دیگری، که مشابه دروازهٔ ورودی است،عبورکرد.درمنتهی‌الیه سمت‌چپ

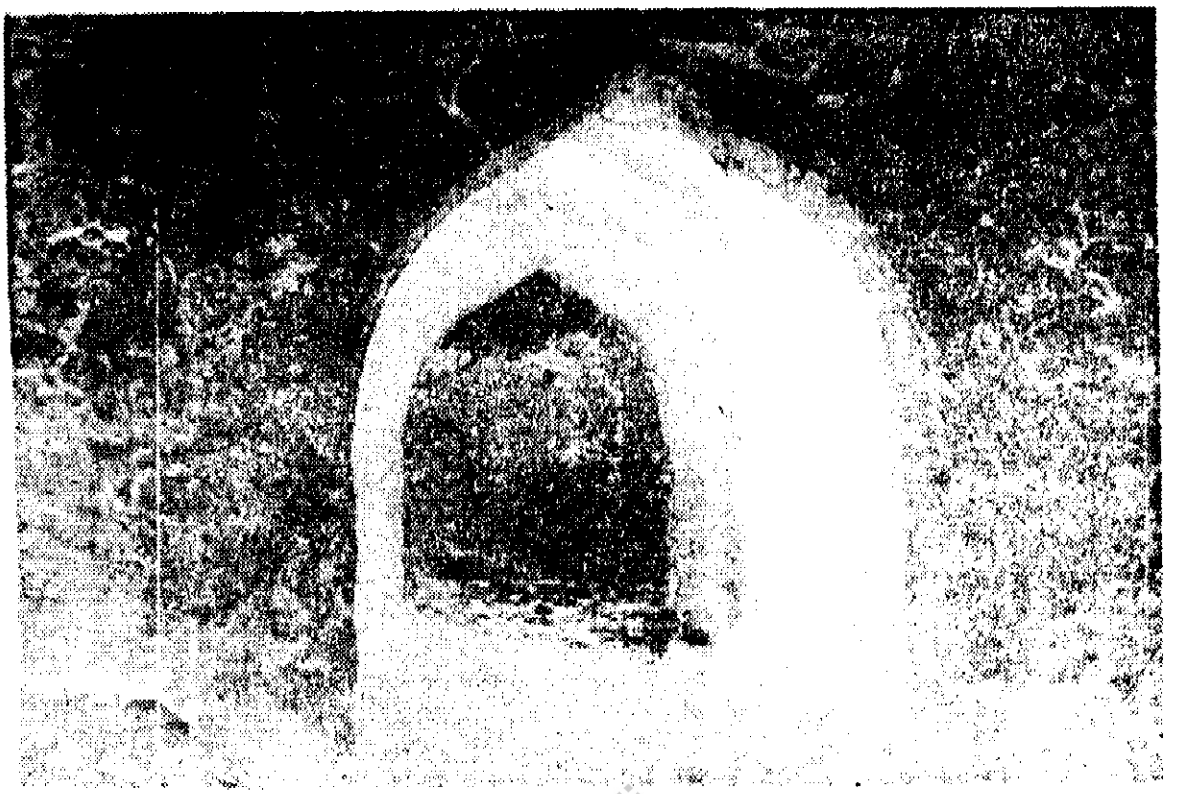

در ورودی قلعه رودخان

قلعه درخروجی کوچکی وجود دارد که «دزده‌در» (در دزد یا درمخفی) نامیده می‌شود و احتمالا فقط در مواقع اضطراری مورد استفاده قرار می‌گرفته است و به‌علت وجود صخرهٔ شیب‌دار در زیر آن، رفتن به‌درون قلعه ازاین راه نسبتاً دشوار است. یك نکتهٔ عجیب در معماری قلعه این است که امتداد چاله‌های دو مستراح مجاور عمود برهم است، حال آنکه درسرزمینهای اسلامی چاله‌های مستراح را به‌موازات یکدیگر و طوری می‌سازندکه درامتداد قبله قرارنگیرند. در اکثر نقاط ایران، معمولا این چاله‌ها شرقی‌ـ غربی ساخته می‌شود.

در نزدیکی در ورودی قلعه چشمهٔ آب کوچکی وجود دارد که آب آن در آب انباری که با دقت‌وظرافت ساخته شده می‌ریزد. قاعدتاً با توجه به‌موقعیت‌کوه‌های‌اطراف، این باید یك چشمهٔ آرتزین باشد. دراین‌مورد افسانه‌ای وجود دارد که می‌گویند برای تأمین آب، از ییلاقی که درخط‌الراس البرز ودر مسافت نسبتاً دوری از قلعه واقع است، به‌این قلعه راه‌آب زیرزمینی کشیده شده است.

تا چند سال پیش کتیبه‌ای به‌شکل مکعب مستطیل با ابعاد تقریبی ۸۰ سانتی‌متر در ۳۰ سانتی‌متر در ۳۵سانتی‌متر، در برابر در ورودی قلعه به‌زمین افتاده بود. در چند سال‌اخیر این کتیبه درجای همیشگی خود یافت نمی‌شد ودوسال پیش قطعه‌ای ازآن در محلی حدود ۲۰۰ متر پایین‌تر از در ورودی‌درانتهای یك‌شیب‌تندو در نزدیکی‌رودخانهٔ کوچکی که ازانتهای درهٔ شمالی قلعه می‌گذرد دیده شده است که در زیربوته‌های

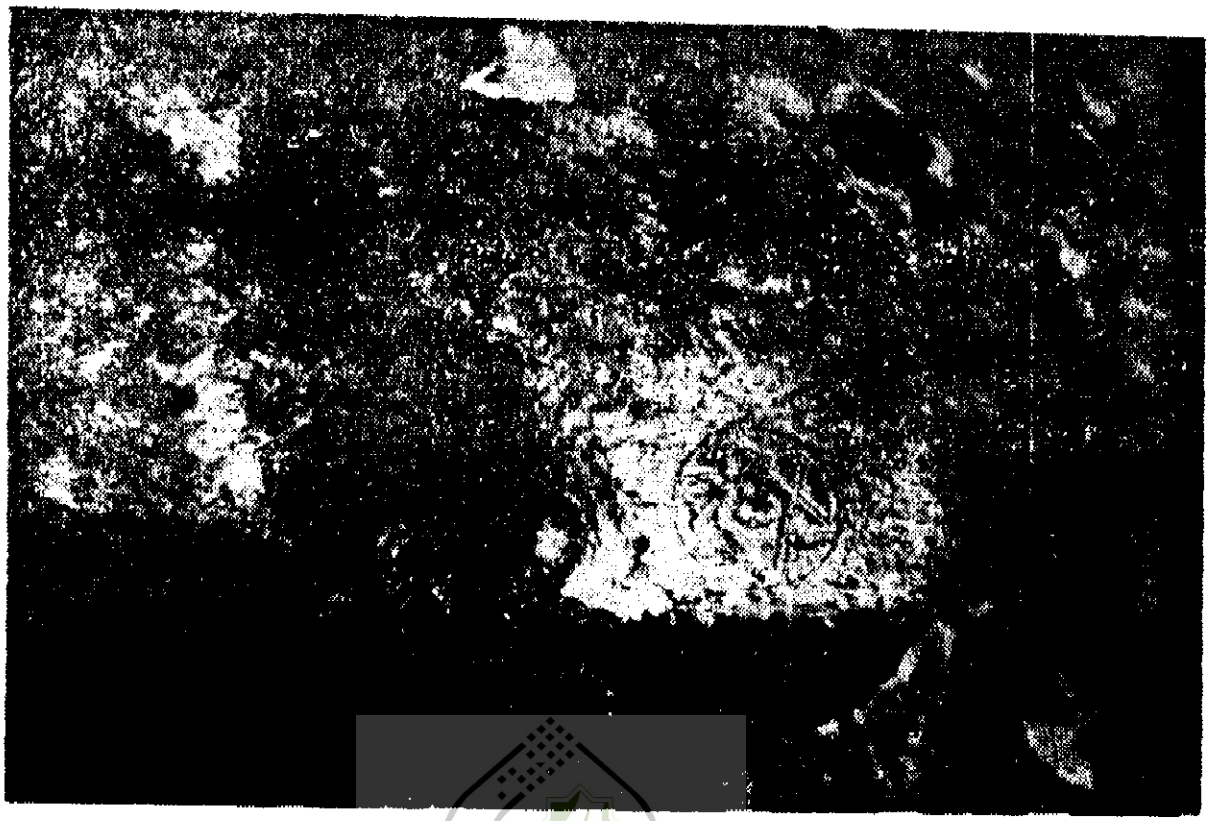

نقش یك ستارهٔ شش‌پر برپشت کتیبهٔ قلعه رودخان

خار پنهان ویافتن آن دشوار بود. امید است که مقامات مسئول وذیصلاح به‌این‌موضوع توجه کنند، زیرا باگذشت زمان امکان آن هست که قطعات باقی مانده در زیر خاك مدفون یا به‌دست سیلاب‌های رودخانه به‌کلی درهم شکسته وبرده شود. درکتاب «از آستارا تا استارباد» تالیف آقای منوچهر ستوده عبارات حك شده روی کتیبه چنین آمده است: [«علاءالدین اسحقی خلد ملکه و سلطانه در تاریخ ثمان عشروتسعمایه این قلعهٔ مبارکه را که مسمی به‌قلعهٔ حسامی است وهرگز درجه تعمیر نیافته.... ۹۱۸ دانا چون دشمن خوی هرزه‌جوی.... خویش اظهارکند وعهد.....» باقی‌مطالب کتیبه فرسوده شده وازمیان رفته است.]

«الکساندرخودزکو»[۳] می‌نویسد: [قلعه رودخان دژی است بربالای کوهی در قسمت علیای رودخانه‌ای به‌همین نام. باروی آن از سنگ وآجر است. طرفین درورودی دوبرج دفاعی مستحکم است. بربالای درکتیبه‌ای است که مطالب زیر برسنگی حك شده است:

«این قلعه که به‌نام قلعهٔ حسامی است نخستین‌بار در سال نهصد وهجده تا سال نهصد وبیست ویك به‌امر سلطان حسام‌الدین بن‌امیره دباج‌بن امیره علاءالدین اسحقی تجدید بنا شد. این‌کتیبه را کمال‌الدین بن محمد گیلانی نوشت. عبارات آن ازخان احمد شیروانی وتحریرآن ازابن‌حسین‌الخراسانی است.» (این عبارات ترجمه ازکتاب

را بینوی فرانسوی دربارهٔ گیلان۵ می‌باشد وطبعاً عین متن کتیبه نیست.) هدایت‌خان، هنگام قیام علیه کریم‌خان زند به‌تعمیر قلعه پرداخت وتوپهایی در آنجا نصب کرد.] در رویهٔ دیگر کتیبه یك ستارهٔ شش‌پر در داخل دایره‌ای حك شده است.

این قلعه که سرنوك تپهٔ بلندی ساخته شده، ازسمت شمال مشرف است به‌دشت گیلان وازسمت جنوب به‌کوه‌های رشتهٔ طوالش که همان‌بخش غربی البرز است، می‌رسد. گرچه خرابی‌هایی که نتیجهٔ رویش گیاهان ودرخت‌ها واثر رطوبت وبرف و باران است درویرانی این قلعه تأثیر زیادی داشته، بر همهٔ اینها باید کار کسانی راکه به‌طمع گنج گوشه وکنار قلعه را کنده‌اند، افزود، اما قسمت‌های اصلی قلعه همچنان محکم‌و استوار برجای مانده وازنظر دقت ومهارت در معماری قابل توجه است. در کتاب «ازآستارا دراستارباد» در بارهٔ این قلعه آمده است: [«دژی که به‌نام قلعه رودخان خوانده می‌شود، سومین بنا ازبناهای عجیب هفتگانهٔ گیلان است. نگارنده که دژهای زیادی را دیده ومطالعه کرده، تاکنون دژی به‌این عظمت واستحکام ندیده است. شاید بتوان این دژرا یکی از دژهای عجیب ایران دانست. تنها دژی که می‌تواند برابروهمسر اوباشد قلعهٔ اصطخرفارس است. دژهای خراسان والموت ورودبار وطارم زنجان در مقابل این دژ بسیار کوچك وناچیزند وشاید مساحت ده دوازده دژاین صفحات مساوی اراضی قلعه رودخان باشد»].

چوپان‌هایی که در آغاز بهار گله‌هایشان را ازدشت گیلان به‌ییلاق می‌برند تا از مراتع غنی آنجا برای تغذیهٔ دام‌ها استفاده کنند هنگام عبور ازحوالی قلعه شب را در اتاق‌های آن به‌سرمی‌برند. همچنین است هنگام بازگشت به‌دشت گیلان که در آغاز پاییز صورت می‌گیرد.

درسال‌های اخیر این قلعه بیشتر شناخته شده ومورد بازدید عدهٔ بیشتری قرار می‌گیرد. فیلمی هم ازاین قلعه تهیه واز تلویزیون گیلان پخش شده است. جای آن دارد که در زمان مناسب‌فکری به‌حال ویرانی سریع قلعه بشود تا این اثر با ارزش برای دیدار وتحقیق علاقه‌مندان وکارشناسان برجای بماند.

«توضیحات»

۱ـ با اینکه قلعه رودخان مدتی پایتخت سلطنت ومرکز حکمرانی حکام گیلان بیه‌پس (غـرب سفیدرود) بوده، درمتون تاریخی وجغرافیایی موجود، ازاین قلعه نامی به‌میان نیامده است. تنـها عبدالفتاح فومنی یك‌بار در کتاب تاریخ‌گیلان از کوه قلعه رودخان یاد می‌کند و می‌نویسد که: امیره شاهرخ وکامیاب، پسران امیره سالار وبنی‌اعمام حسین‌خان بودند به‌دستور حسن‌خان کهدمی در کوه قلعه رودخان کشته شدند. (ازآستارا تا استارباد، صفحهٔ ۱۵۷)

۲ـ در فرهنگ جغرافیایی ایران نیز چنین آمده است: قلعه رودخان ده، جزء دهستان مرکزی

شهرستان فومن، ۱۲ کیلومتری جنوب شهرفومن، قلعه‌ای قدیمی داردکه به‌سکسار معروف است. این‌قلعه درحدود ۴ کیلومتری جنوب آبادی روی کلهٔ کوه بنا گردیده است.

در کتاب جغرافیای گیلان نوشتهٔ م.م. لاهیجانی چاپ نجف (۱۹۶۹) صفحهٔ ۲۱۶ آمده است: [در قریهٔ رودخان فومن یك قلعهٔ قدیمی به‌نام سك‌سال یا صلصال (با دو صاد) و یا سلسال (با دوسین) باقی‌است‌که تاریخ بناء آن را به‌دوهزار سال نسبت می‌دهند ولی آنچه محقق است در عصر امیرحسام‌الدین فومنی که از سلاطین عصر خود بوده آنرا تعمیر کرده‌است.]

۳ــ درحوالی کرج، درنزدیکی ده «ارنگه» قلعه‌ای به‌نام «شاه‌دز» وجود دارد. اهالی این قلعه را به‌صلصال نامی نسبت می‌دهندکه به‌مخالفت باحکومت وقت برخاست ودست به‌دزدی وراهزنی درازکرد وسرانجام شاه وقت به‌همراه سپاهیانش وبه‌یاری خیانت اطرافیان صلصال شبانه به‌درون قلعه راه‌می‌یابند وصلصال ورفیقان اورا می‌کشند وآتش این فتنه را خاموش می‌کنند. (قلاع اسماعیلیه در رشته‌کوه‌های البرز، نوشتهٔ منوچهر ستوده، صفحه ۱۳۳)

در اطراف هشتپر نیز در نزدیکی آبادی لیسار قلعه‌ای به‌نام قلعهٔ «ساسان» وجود داردکه‌بعیدنیست ازنظر لغوی تغییر شکل یافتهٔ سکسار باشد یا این هردو تغییر یافته نام اصلی‌تری باشندکه اکنون اطلاعی درباره آن‌نداریم.

۴ــ الکساندر خودزکو A. Chodzko (۱۸۰۴ــ۹۱) محققی لهستانی‌الاصل بود که در سال‌های ۱۸۳۰ درعصر سلطنت محمدشاه قاجار به‌عنوان کنسول روسیه در رشت خدمت می‌کرد. وی بعدها از خدمات سیاسی کناره گرفت، مقیم پاریس شد و بقیه عمر خود را وقف کارهای علمی وادبی کرد.اثری ازوی به‌نام سرزمین گیلان توسط آقای سیروس سهامی به‌فارسی ترجمه و منتشر شده است. (تلفظ صحیح خوجکو). از آثار دیگرش «نمایش در ایران» است.

۵ــ این کتاب بانام ولایات دارالمرز گیلان با ترجمهٔ آقای جعفرخمامی زاده به‌چاپ رسیده است.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

خواندنی

پس از آنکه مؤسسه استانفورد ساختن اولین دستگاه فکرخوانی خود را چندماه پیش در جهان اعلام نمود. بلافاصله به‌آن اطلاع داد که کتاب حس ششم ما شش‌سال پیش طرح این دستگاه را اعلام نموده واطلاعات این اداره براصل موجود بودن این دستگاه استواراست ورنه‌یك مهندس ایرانی چطور به‌وجود چنین دستگاهی پی می‌برد. وازهمه مهمتر درعین حال که می‌رساند مؤسسه تحقیقاتی ما حداقل ازشما جلوتر است، حاضریم اطلاعات بیشتری ازوجود این دستگاه‌ها را دراختیار شما بگذاریم.

اگر مؤسسه استانفورد به‌شما جواب داد به‌ماهم جواب داد. آکادمی علوم اتحاد شوروی سوسیالیستی !! همین‌کار را فرمود!! ما می‌دانیم حضرات تصمیم گرفته‌اند اینطور وانمود کنند که چنین دستگاه‌هایی در دنیا وجود ندارد و کتابهای مهندس غلامرضا اربابی!! راهنمای مؤسسات تحقیقاتی جهان شده وتازه دارند یکی پس ازدیگری این دستگاه‌ها را می‌سازند!!

دستگاههای کنترل کنندهٔ مغز انسان «هدایت کننده بشر!» (صفحه ۲۷۸) تالیف غلامرضا اربابی. ازانتشارات گروه فرهنگی اربابی ۳۰۷ صفحه، بدون تاریخ.